



روزنامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران یکشنبه ۲۸ اردیبهشت ۱۴۰۴ - ۲۰ ذی‌القعده ۱۴۴۶ سال بیست‌وهفتم - شماره ۷۲۰۷ - ۱۶ صفحه قیمت: ۱۰۰۰۰ تومان



رسانه‌های ایران

خط‌شکنی جشنواره مقاومت باهوش مصنوعی

● مصطفی‌شاه‌کرمی | خبرنگار گروه فرهنگی

■ مراسم افتتاحیه هجدهمین جشنواره بین‌المللی فیلم مقاومت شب گذشته در محل موزه ملی انقلاب، دفاع مقدس و مقاومت برگزار شد. یکی از بخش‌های نوآورانه جشنواره امسال، اختصاص یافتن به تولیدات مرتبط با هوش مصنوعی است که برای نخستین‌بار در میان جشنواره‌های داخلی و بین‌المللی برگزار می‌شود| **صفحه ۱۶**

حمله گسترده اسرائیل به غزه همزمان با محکومیت در اجلاس سران عرب!

مقام ارشد جنبش مقاومت اسلامی: **امریکا توافق با حماس را به سطل زباله انداخت**

■ رهبران کشورهای عربی در اجلاس سران عرب در بغداد، تجاوزات روزانه رژیم صهیونیستی، کشتار و تخریب در غزه و همچنین خطر آوارگی فلسطینی‌ها را به شدت محکوم و بر ضرورت حل‌وفصل جامع مسئله فلسطین و حمایت از بازسازی غزه تأکید کردند. همزمان با این محکومیت اسرائیل حمله گسترده‌تری به غزه انجام داد| **صفحه ۱۵**

سیدمهدی می‌گفت دغدغه مردم در ذهن و زبان شهید رئیسی بود

● مغزی خیل فرهنگ | خبرنگار گروه ادبیات و معارف

گفت‌وگوی «جوان» با یکی از دوستان شهید سیدمهدی موسوی | **صفحه ۸**

اسماعیل سال‌ها میهمان قربانگاه حاج عمران بود

● علیرضا محمدی | دبیر گروه ابتزار و معارف

خاطراتی از شهید اسماعیل شعبانی در گفت‌وگو با هم‌رزم و برادر شهید | **صفحه ۷**

«سوء پیشینه» مجازات پنهان پایان‌ناپذیر یا پل بازگشت به جامعه؟!

● نیره ساری

■ «جوان» در گفت‌وگو با حقوق‌دانان مفهوم قانونی سوء پیشینه در نظام کیفری، خط‌کشی‌های دقیق قانون و اصلاح نگرش عمومی نسبت به محکومان را بررسی کرد | **صفحه ۱۰**

ترامپ دروغ گفت

الگوی امریکا در منطقه یقیناً شکست خورده است

■ رهبر معظم انقلاب در دیدار هزاران تن از معلمان و فرهنگیان:بعضی از حرف‌های رئیس‌جمهور امریکا در این سفر آن قدر سطح پایین و مایه سرفاکنندگی گوینده آن و ملت امریکا است که اساساً لایق جواب دادن نیست. اما بخشی از اظهارات ترامپ مبنی بر اینکه می‌خواهد از قدرت برای صلح استفاده کند، دروغ است. او و دولت‌های امریکا کی از قدرت برای صلح استفاده کرده‌اند؟ آنها از قدرت برای قتل عام غزه و جنگ افروزی در هر جای ممکن و حمایت از مزدوران خود استفاده کرده‌اند

■ رئیس‌جمهور امریکا به این کشورهای عربی یک الگویی را پیشنهاد می‌کند که به قول خود او، با این الگو، این کشورها بدون امریکاه روز هم نمی‌توانند زندگی کنند. این جوری گفت دیگر: گفت: «اگر امریکا نباشد، این‌ها ده روز نمی‌توانند خودشان را نگه دارند؛ امریکا این‌ها را نگه می‌دارد». حالا هم در معاملات خود، در رفتار خود، در پیشنهادهای خود، همین الگو را به این‌ها دارد مجدداً ارائه می‌دهد و تحمیل می‌کند، جوری که این‌ها بدون امریکا نتوانند زندگی کنند. مطمئناً این الگو شکست خورده است. به همت ملت‌های منطقه، امریکا از این منطقه باید برود و خواهد رفت

یادداشت سردبیر

غلامرضا صادقیان

چه کسی به ما دستور داده نظام تعلیمی را نقد کنیم؟!

چه تعداد از مدیران وزارتخانه آموزش و پرورش فرزندان در مدرسه دولتی عادی درس می‌خوانند؟ پاسخ این پرسش که در هفته‌های اخیر از مدیران وزارتخانه پرسیدیم و پاسخی نشنیدیم، می‌تواند محک خوبی برای سالم‌بودن ساختار آن باشد. کسانی نیم قرن در این ساختار حضور داشتند و سیاست‌گذاری کردند اما شاید فرزند خود را به دست همین ساختار نسپارند. این وضعیت باید تغییر کند. اخیراً یکی از مدیران وزارتخانه به خبرنگار روزنامه جوان گفته «استش را بگویند چه کسی از شما خواسته که این‌قدر ما را نقد کنید؟» فرض کلی در بدنه دولت این است که اگر در روزنامه‌ای نقد می‌شوند، یا از کسی دستور گرفته‌اند، یا از جایی پول می‌گیرند! آنها قیاس به‌نفس می‌کنند و البته ممکن است این عیب بزرگ در برخی از رسانه‌ها باب باشد و در این باره خواهم نوشت، اما چرا به جای اینکه پاسخ نقد داده شود، به چنین بی‌راهه‌ای می‌زنند؟

قبلاً نوشته‌ام و در گفت‌وگوهای با کارشناسان نشان داده‌ام که نیاز فردای مدارس ما دو چیز است، یکی آموزش مهارت‌های نرم و دیگری، افزایش قدرت استدلال آوری با عقلانیت. سعی می‌کنم با مثال‌هایی نشان دهم که چرا در این دو فقره به‌شدت عقب هستیم و بضاعتی نداریم.

در مواجهه با برخی مدیران آموزش و پرورش یک حرف مشترک می‌شنویم، گویی در جلسات از آنان خواسته‌اند این استدلال قوی را به کار ببرند! آنها می‌گویند «اینکه رهبری بارها بر پیشرفت کشور و در قله‌بودن تأکید کرده‌اند، آیا غیر از این است که این پیشرفت بر پایه و بر ستون همین نظام آموزشی مدارس ما بنا شده است؟!» ببینید مغالطه را! وقتی مدیران ارشد وزارتخانه از استدلال آوری درست عاجزند و چنین مغالطه‌ای به کار می‌برند، می‌فهمیم که چرا از تقای قوت برهان آوری و عقلانیت نیاز امروز و فردای دانش‌آموزان ماست. اگر آقایان دست‌کم چند صفحه اول کتاب مغالطات علی اصغر خندان را خوانده بودند، چنین نمی‌گفتند، آن‌هم وقتی خود رهبری معظم، هم دیروز و هم همیشه از منتقدان جدی و اصولی ساختار نظام تعلیمی هستند.

ضعف استدلال آوری یک ضعف عمومی است، هم در تاکسی این ضعف را می‌بینیم، هم در گروه هیئت علمی دانشگاه. دانشجویان سال اول تا سال آخر- مگر به خود بیایند- اغلب دچار ضعف مفرد توانایی استدلال در‌ست هستند، و همین عاملی است که نتوانند ضعف خود را بفهمند و برخی تا ابدالدهر در جمل هر کب خود می‌مانند. عقل را همه دارند، اما استفاده از عقل، آموختنی است و باید اهل آن و کسانی که امتحان عقلانیت‌شان را داده‌اند، آموزگار عقلانیت شوند. حتی اگر فقط یک استاد داشته باشیم که همگان اذعان کنند فقط او می‌تواند استدلال آوری درست را آموزش دهد، بهتر آنکه کلاس او ضبط شود و تمامی مدارس استفاده کنند تا اینکه این مهم را به دست کسانی بسپاریم که خود نیاز به آموزش دارند. همین‌جا بگویم که از تقای توانایی عقلانیت لزوماً به‌معنای آموزش درس منطق نیست، چنانکه برخی بین منطق و دلیل آوری تفاوت می‌گذارند و معتقدند عقلانیت از قواعد منطق کلاسیک پیروی نمی‌کند. این عده تعامل علمی میان باورها را همان عقلانیت می‌دانند و می‌گویند عقلانیت بدین معنا یعنی باور‌های ما می‌توانند موجب باورهای دیگری در ما شوند، یعنی ما می‌توانیم از باوری به باور دیگری بر‌سیم بدون اینکه باور دوم، «نتیجه منطقی» باور اول باشد. درعین حال یادآوری می‌کنم تأکید چند سال پیش رهبری معظم به طلاب را که اصرار داشتند طلاب «منطق مظفر» را حتماً بخوانند. همان موقع از یک استاد حوزه پرسیدم «در چه مدت مظفر را می‌خوانید؟» پاسخ داد که شاید سه سال اما به این معنا نیست که طلبه مسلط شود یا بفهمد. این تأکید رهبری خود گواهی است بر اهمیت از تقای قدرت فکری و عقلانیت برای همگان.

همین حالا نیز جنگ رسانه‌ها و نویسندگان آن با هم جنگ عقلانیت است، روزنامه‌نگاران استدلال‌های یکدیگر را قبول ندارند. در میان مسئولان و نمایندگان مجلس نیز ضعف مفردی در این باره وجود دارد. فضا آکنده از حرف‌های بی‌منطق و جدل‌های کور و بی‌هدف است. قوياً معتقدم اگر نظام آموزشی ما بتواند توانایی منطقی آیندگان را ارتقا دهد، ما شاهد خانواده‌های سالم‌تر، کاهش شدید پرونده‌های قضایی، کاهش جرم و جنایت، افزایش اعتماد، چه مردم به مردم و چه مردم به کارگزاران و بالاخره جهش شدید در پیشرفت انسان فردای ایران خواهیم شد.

مسئله دوم، آموزش مهارت‌های نرم است. قبلاً در گفت‌وگویی با یک تیم تخصصی که به این مهم پرداخته‌اند، نشان دادیم که نظام‌های پیشرو در جهان به اهمیت آموزش مهارت‌های نرم در مدارس توجه می‌کنند و از پر کردن مغز بچه‌ها با حفظیات و

اطلاعات به‌در‌نخور پرهیز دارند. البته کار ساده و آسان‌تر آن است که با حفظیات جلو برویم و ما نیز تاکنون کار آسان را دست گرفته‌ایم. دنیا اما حالا به چیز دیگری فکر می‌کند. از ویلیام بیتس شاعر ایرلندی است که «آموزش پر کردن ظرف نیست، برافروختن آتش است». سال‌هاست که در تفکر فلسفی، از «ذهن گسترده» سخن می‌گویند، در این تفکر، ذهن ما محصور در آن چیزی که در مجمله خود داریم نیست. شما اکنون می‌توانید در لحظه و با ساده‌ترین وسیله‌ای که همراه دارید، به کتابخانه کنگره امریکا و کتابخانه‌های بزرگ دنیا، به فرهنگ‌ها، کمپنیون‌ها، هندبوک‌ها و تمامی متن‌ها و نوشته‌های جهان بی‌درنگ دسترسی داشته باشید و قدرت جست‌وجوی آنلاین و در لحظه در متون تفصیلی را دارید. هرچه را بخواهید و هر نامی و اطلاعاتی و هر درسی را که بخواهید بیاموزید، در اختیار شماست. پس ذهن شما گسترده شده است و نیازی نیست که برای حفظ فلزهای از اقیانوس معلومات جهان، در مدرسه از شما بخواهند که فلان و بهمان را حفظ کنید و جواب بدهید. اکنون در ذهن گسترده بر یک برورنگاری فعال مبتنی بر نقش فعال محیط در پیشبردفرآیندهای شناختی تأکید می‌شود. این ایده‌ها مربوط به سه دهه پیش است ولی مدارس ما هنوز خود را نسبت به این انگاره‌ها به‌روز نکرده‌اند.

یک مثال می‌زنم. در زمان آلودگی هوا که کلاس‌ها مجازی شد، معلم برای دانش‌آموزان هفتم پرسشی مطرح کرد: اگر مستطیلی با این طول و عرض را حول محور طول بچرخانیم تا استوانه‌ای تشکیل شود، مساحت استوانه چقدر است؟ فرزند من بلافاصله پرسش معلم را از دیسیک پرسید و در کسری از ثانیه پاسخ هوش مصنوعی را که بسیار منظم و فرمول‌بندی‌شده و با نمایش دلیل و چرایی فرمول بود، کپی کرد و برای معلم خود فرستاد و موجب حیرت شد! این تازه ریاضی است که حفظ کردنی هم نیست و باید توان حل مسئله داشته باشی. اما مقهور زمانه شده‌است. به چنین دانش‌آموزانی چه باید بیاموزیم که به کارشان بیاید. مسئله مهارت‌های نرم که اخیراً شنیده‌ایم به شکل آزمایشی در سازمان پوهوش و برنامه‌ریزی درسی دنبال می‌شود، ضرورت آینده نظام تعلیمی ماست.

رهبر معظم در سخنان دیروز به نازیبایی و نداشتن جذابیت محتوایی کتاب‌های درسی هم اشاره کردند. مقایسه کنید با کتاب‌هایی که هم محتوا جذاب است و هم از منظر زیبایی‌شناسی در اوج. چرا باید نهاد عظیم آموزش و پرورش اینچنین باشد؟ سمایی است! فرزند من از کتاب فارسی خود بیزار است. و این برای من که چند ده‌هزار بیت شعر و غزل و قصیده و مثنوی از حفظ دارم، اندوهی بی‌پایان است اما تلاش



ملی۲ | Leader.ir |

کرده‌ام که این مسئله را در چارچوب تغییر زمان ببینم. محتوای برخی علوم مثل پزشکی هر سه سال یک‌بار دوبرابر قبل می‌شود. در فیزیک و الکترونیک ممکن است این زمان کوتاه‌تر هم باشد. اگر کسی بخواهد کتاب‌های درسی را از لحاظ علمی به‌روز کند باید خود در مرزهای علم باشد، و به‌لحاظ زیبایی‌شناسی در مرزهای هنر. اما در سازمان تألیف کتاب‌های درسی معلوم است که این خبرها نیست که اگر بود، به جای تذکر، تشکر می‌شنیدند. سه سال پیش که رهبر انقلاب در اردیبهشت به حفظیات‌محور بودن کتاب‌های درسی اعتراض کردند، بلافاصله وزیر سر وقت گفت که به‌زودی و از همین همراه در‌ستش می‌کنیم. همان‌وقت در همین ستون نوشتم اصلاً نمی‌خواهی درستش کنی چون اولاً کتاب‌ها که بیشترش چاپ شده و ثانیاً این کاری دوسه‌ماهه نیست و اگر می‌دانستید که باید چه کنید که کرده بودید. خود این مسئولان و وزیران می‌دانند که دولت‌شان عاجل است. پس یک چیزی می‌گویند برای خالی‌نبودن عرضه. سسی سال پیش در روزنامه کیهان نوشتم نظام آموزش و پرورش مافیایی اداره می‌شود و شاهدش هم رویش یک ساختار موازی با آن به اسسم آموزشگاه‌های کنکور است که مجوزش را از خود وزارتخانه می‌گیرد و بیشتر از وزارتخانه کتاب چاپ می‌کند. فساد اصلی آنجاست که یک‌بار از بیت‌المال بزرگ‌ترین هزینه دولت صرف مدارس می‌شود، سپس مردم تاده‌برابر آن را به آموزشگاه‌ها می‌دهند تا همان درس‌ها را بهتر و مناسب کنکور به بچه‌های‌شان آموزش بدهند. می‌گویند از این آموزشگاه‌ها فقط یک‌ونیم میلیون دانش‌آموز استفاده می‌کنند؛ جوری می‌گویند «فقط» که انگار رقم کوچکی است. این یعنی بیشتر دانش‌آموزان مدارس در کلان‌شهرها، وانگهی بقیه که به این آموزشگاه‌ها نمی‌روند، چه سرنوشتی دارند؟!

رهبری معظم دیروز از لزوم سختگیری در جذب معلمان سخن گفتند. این کلید را باید در سختگیری جذب مدیران هم چرخاند. تاریخ نوروز دهم و بیستم نشان می‌دهد کشورهای پیشرو در دانش، با ارتقای سطح معلمی آغاز کردند. بسیاری از بزرگان علمی با مدرک دکتری در فیزیک و ریاضی و فلسفه از مدارس روستا آغاز می‌کردند. ما اکنون در یک دور مانده‌ایم؛ حقوق و مزایا و جاذبه‌های معلمی پایین است، اگر بخواهیم آن را زیاد کنیم و در حد یک استاد دانشگاه یا یک قاضی بالا ببریم، در حال حاضر با این سطح شدنی نیست، و اگر بخواهیم ابتدا شایستگی‌شان را جذب کنیم با این وضعیت حقوق و مزایا نمی‌شود و ما مانده‌ایم که این دور را چگونه به یک خط مستقیم تبدیل کنیم!

یادداشت ورزشی

شیوانوروزی | خبرنگار گروه ورزشی

«زنگ ورزش» دکوری و فرصت‌سوز

از دیرباز اهمیت زیادی به زنگ ورزش داده نمی‌شده و به‌رغم تغییرات زیاد جامعه در سال‌های گذشته، همچون گذشته آنچنان که باید و شاید مقوله ورزش جدی گرفته نمی‌شود. با این تفکرات سوخته در واقع هم سلامت دانش‌آموزان ناپدیده گرفته و هم فرصت شگوفایی از قهرمانان آینده ورزش ایران سلب می‌شود. پتانسیل دانش‌آموزان را نباید به راحتی نادیده گرفت. این قشر آینده‌های کشورمان هستند و در حوزه‌های مختلف می‌توانند به وطن‌شان خدمت کنند. البته رسیدن به مرحله شگوفایی نیازمند برنامه‌ریزی، کشف استعدادها و طی کردن پروسه پیشرفت است | **صفحه ۱۲**

یادداشت حوادث

حسین فصیحی | دبیر گروه حوادث

روشنی چراغ سوانح و جرائم با خاموشی‌ها

از آنجا که چرخ خاموشی‌ها در طول سال جریان دارد، ضرب این اعداد در تعداد روزهای ماه و سال آمار هولناک‌تری را به نمایش می‌گذارد، با این حال به نظر می‌رسد مرجع تصمیم‌گیری به جای حل معضلات ایجاد شده تلاش دارد چشم‌ها را به تاریکی‌ها عادت دهد. آنگونه که در گزارش برآوردهای اتاق ایران آمده‌است، تنها یک درصد از سرانه برق در معابر عمومی مصرف می‌شود. تاریکی معابر عمومی آسیب‌های بسیاری به همراه دارد، از جمله اینکه بروز سانحه و جرم را شدت می‌بخشد. سال گذشته ۹ هزار و ۴۳۵ نفر در جریان سوانح رانندگی فوت و ۳۸۱ هزار و ۴۸۴ نفر هم مجروح و ملول شدند | **صفحه ۱۴**

یادداشت اقتصادی

وحید عظیم‌نیا | دبیر گروه اقتصادی

غنی‌سازی یک حق گسترده اقتصادی

دروغ بزرگی است اگر بگویند غنی‌سازی فقط به درد ساخت بمب می‌خورد؛ دروغی که سال‌ها با آن به افکار عمومی جهان خوراک داده‌اند تا مسیر پیشرفت یک ملت را ببندند، اما امروز، در جهانی که هر وات انرژی، حکم طلا را دارد، غنی‌سازی یعنی «حق تنفس»، یعنی «اکسیژن توسعه»، یعنی «اقتصاد آینده». اگر نفت روزی قدرت ژئوپلیتیک بود، اورانیوم غنی‌شده آینده فناوری و امنیت اقتصادی جهان است، پس اگر ایران می‌گوید: «هیچ سناریویی وجود ندارد که در آن ایران از حق خود برای غنی‌سازی با اهداف صلح‌آمیز چشم‌پوشی کند»، نه یک موضع سیاسی بلکه یک خط‌مشی اقتصادی ملی را فریاد می‌زند | **صفحه ۴**

یادداشت سیاسی

مرتضی سیمیری

جهش ژنتیکی جولانی در آزمایشگاه مرکزی «سیا»

الجولانی قبل از سفر به ریاض بار دیگر کتوشلوار پوشید، کراوات زد و در برابر چند دوربین تلاش کرد یک توپ بسکتبال را داخل سبد بیندازد. گفته شده است که تصویربرداری از این صحنه چندین ساعت طول کشیده و رئیس تحریری‌ها و همچنین ابوعاشیه، وزیر خارجه سوریه صدها بار تلاش کرده‌اند حداقل یک‌بار توپ‌شان به هدف بنشیند. این تصویر خاص یک کارگردان ویژه در طبقه ششم کاخ ریاست جمهوری سوریه دارد. برخی گزارش‌ها حکایت از آن دارد که یک مأمور انگلیسی این روزها مسئول برندسازی از الجولانی بوده و تمامی سناریوهای مرتبط با ضبط و پخش این ویدئو را بر عهده داشته است | **صفحه ۲**